

فیبا، مربی نامداری که

داری مشهد را تاسیس کرد

فابالای سکو



نیز دیگر به چشم نمی خورد. در روی تشک مسابقه از آن فن های زیبایی که تماشاگر را به وجد می آورد دیگر خبری نیست. کشتی گیر امروز با سوت دار و باهل دادن شروع می کند تا حریف را از تشک بیندازد بیرون و بیشتر هم با فول گرفتن و ضربه زدن مقام به دست می آورند. اینها از زیبایی کشتی کم کرده است.

«وضعیت کشتی مشهد را چگونه ارزیابی می کنید؟»
خیلی خراب! به خاطر اینکه مربی ها فاقد تخصص هستند و فقط مدرک دارند. من از مدیرانی که در این سال ها به دروغ خودشان را مدافع کشتی معرفی کرده اند، اما کاری برای آن نکردند خیلی ناراحتم. شهر دار سابق گفته بود من از ورزش قهرمانی دفاع می کنم (نمونه ای چاپ شده را در روزنامه نشان مان می دهد) اما کجا حمایت کرد؟ من زندگی ام را برای کشتی داده ام اما کسی از مسئولان کم کم نکرد و حتی حق مرانداند و الان هیچ حقوق بازنشستگی هم ندارم. آخر عمری آمده ام در کوهسنگی و یک غرفه اجاره کرده ام. من سوالم این است که چرا کشتی امروز خراسان فاقد حتی یک چهره جهانی است؟ آقایی که باشگاه عریض و طویل راه آهن را در دست داشت برای کشتی استان چه کرد؟ من از باشگاه پایین شهری کشتارگاه، قهرمان جهان دادم اما آقایان در دهه های اخیر برای کشتی استان چه کردند؟ هیچ! مصاحبه می کنند و می گویند کشتی استان رو به رشد است، من می گویم کجاست این رو به رشد بودن؟ نمی خواهم اسم ببرم، اما فلان آقای مربی که عکس می گیرد و در روزنامه چاپ می کند یک ذره نشان از اخلاق و خضوع ندارد. این مربی می خواهد برای ماتختی درست کند؟ شما مطمئن باشید که هرگز نمی تواند. یادتان هست چندی پیش کشتی گیری ایرانی در ژاپن رفتارهای متعدد تبهکارانه کرده بود؟ این کجا و شاگردهای من کجا که مردم به سرشان قسم می خورند و حتی نسل بعدی آنها هم در مسابقات جهانی مطرح شدند و با اخلاق هستند. ادعای تو خالی لیسانس و دکترای ورزشی هم ندارم. خودتان فکر کنید مساله چیست.

«فکر می کنید در این سن هنوز آمادگی مربی بودن و تربیت کشتی گیر را دارید؟»
خداوند به من توان و استعدادی داده که همین حالا هم اگر باشگاه و امکاناتی در اختیارم بگذارند، قول می دهم در مدت سه ماه قهرمان تحویل بدهم.

«عموزینل از نگاه شاگردان»
مجید خدایی، عضو سابق تیم ملی کشتی آزاد کشور و مربی تیم ملی جوانان ایران در سال های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹
دکتر مجیدی خدایی، نامی آشنا در کشتی ایران است، او درباره عموزینل می گوید: من در سال ۱۳۷۰ کشتی را زیر نظر ایشان در باشگاه صحرایی (در ورزشگاه تختی مشهد) شروع کردم. مهمترین مشخصه ایشان، مهربانی و رفتار پدرا نه با شاگردانش بود. به خاطر دارم که ایشان در مسائل اخلاقی فوق العاده حساس بود. اگر در کلاس ۱۰ دقیقه درباره فن و تکنیک کشتی برای مانو جوانان صحبت می کرد، بیشتر از آن درباره اخلاقیات حرف می زد. هنگامی که این سخنان از سوی کسی که در حکم پدر دوم برای همه نوجوانان کشتی گیر بود، مطرح می شد، تاثیر زیادی در همه ما داشت. یادم می آید با مشارکت پدر بچه های کلاس کشتی، هر هفته مینی بوسی کرایه می کرد و شاگردان و پدران شان را به شهرستان های اطراف در قالب تیم کشتی و همراهان می برد و ما با هم سن و سالان خودمان کشتی می گرفتیم. همین حرکت تاثیر زیادی در افزایش روحیه جنگ آوری ما داشت. حتی سفارش می داد و فیلم بردار به باشگاه می آورد و کشتی های ما را ضبط می کرد. الان من کشتی زمانی که در وزن ۴۳ کیلو بودم را دارم. خیلی از نسل فعلی و دهه های گذشته کشتی مشهد و استان محصول زحمات عموزینل هستند.

«حسن نوروزی، استاد دانشگاه و مربی»
۲۵ سال قبل شاگرد عموزینل بودم. بیشتر از آنکه در آن سال ها با پدرم باشم با عموزینل بودم. ایشان برای من نقش پدری داشت. می شود

گفت بیشتر از آنکه به بچه های خودش برسد به ما می رسید. اتفاقا بیشتر از آنکه کشتی برایش مهم باشد به فکر درس و اخلاق ما بود. دائم از درس و مدرسه ما می پرسید. یادم می آید یکی از بچه های کلاس کشتی دچار افت درسی شده بود، عموزینل به مدرسه اش رفته بود و جویای وضعیتش شده بود و با معلمان مدرسه در این باره گفت و گو کرده بود. این رفتارهای عالی را از هیچ مربی دیگری ندیده بودم. شاگردان بزرگی هم تربیت کرد. رضار مضان زاده، مجید خدایی و علینزاده هاشاگرد او بودند. مربی قهرمان پروری بود با اخلاق بالا. عموزینل از منطقه بسیار پایینی آمده بود. این که خودش را با اخلاق خوب تادیب کرده بود و شاگردانش را هم در بخش اخلاقیات به مراحل بالا دعوت می کرد، واقعا معجزه است.

«رضار مضان زاده، عضو سابق تیم ملی کشتی آزاد ایران و مربی»
من الفبای کشتی را پیش عموزینل آموختم. نه تنها من، بلکه خیلی از قهرمان ها شاگرد او بودند. اینکه فرد را از مرحله آغاز کار به جایی در کشتی برسانیم کار سختی است. این سختی را عموزینل با جان و دل انجام می داد. او هر هفته ما را به شهرستان های برد تاروی تشک کشتی باشیم و سطح کشتی مان در اوج بماند. ایشان قبل از اینکه به قهرمان شدن تکیه کند می گفتند باید اخلاق سرلوحه کارهای مان باشد. مادر برابر ایشان بسیار با احتیاط رفتار می کردیم که مبادا حرف و یا عملی غیر اخلاقی از ما سر بزند. در دهه ۶۰ و ۷۰ عموم مربی ها به اخلاقیات تاکید داشتند. امروزه متأسفانه مربی ها چندان رسیدگی به امور شاگردان ندارند. انگیزه ای که عموزینل در ذهن بچه ها ایجاد می کرد، موفقیت در سطح آسیایی و جهانی بود، اما متأسفانه امروزه کشتی گیرها به یک مقام استانی یا چندمی در کشور بسنده می کنند. وظیفه مربیان این است که سطح دیدگاه کشتی گیران را بالاتر ببرند.

من سوالم این است که چرا کشتی امروز خراسان فاقد حتی یک چهره جهانی است؟ آقایی که باشگاه عریض و طویل راه آهن را در دست داشت برای کشتی استان چه کرد؟ من از باشگاه پایین شهری کشتارگاه، قهرمان جهان دادم اما آقایان در دهه های اخیر برای کشتی استان چه کردند؟ هیچ مصاحبه می کنند و می گویند کشتی استان رو به رشد است، من می گویم کجاست این رو به رشد بودن؟